ISSN: 2008-8000

Generations and student waves in post-revolutionary Iran

The form and nature of relationships and interactions within the university with the school and community background

Article Type: Research

Hosein Ebrahimabadi

Associate Professor, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran.
E-mail: h.ebrahima@gmail.com

Abstract

Objective: The aim of the present research was to understand the nature and factors shaping the relationships and interactions of different generations of students.

Method: To achieve this goal, a qualitative approach and phenomenological method were used. To obtain information, twenty-five students and graduates were interviewed in two semi-structured and open forms, and three group discussions were conducted in groups of three to five. The findings were classified into five categories: student generations characteristics before entering the university, characteristics of students in different courses and generations, experiences of life in the university and changes in attitudes therein, and finally the position of the university. In terms of content, the situation of students with the school background and social environment, the changing atmosphere of culture and society, and the evolving flow of the university were considered and paid attention to in components such as the feeling of belonging to the school and university, levels of interactions, employment prospects, hope for the future, individualism and collectivism, and continuity and discontinuity with culture and society.

Results: The results can be drawn as follows: over time, the university has lost its classic position under the influence of external changes (economy, society, and school) and internal changes (changes in the specific tasks of the university and the mental and attitudinal changes of students), and this has affected the form and content of student relationships and interactions, their preferences, the feeling of belonging to the university, and the functioning of student communities.

Conclusion: The most important thing in recent years is academic burnout, lack of motivation in learning formal programs, and the growing trend of feeling of failure. As a result, students have been led to activities and learning outside the university in order to get rid of compulsory styles and be more prepared for employment. In addition to having a profound impact on students' selective behavior and their response to the needs of new lifestyles, these changes mean that "learning space with utility", "learning interactions with leisure space" and "learning style with lifestyle" of students are increasingly close. Also, the personalization of students' learning for life in society and the fluid and unstable labor market is something that the university and its programs are not able or prepared to respond to.

Keywords: student generations, relationships and interactions, pre-university characteristics, university specific tasks, mental and attitudinal changes

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

نسل‌ها و موج های دانشجویی در ایران پس از انقلاب

شکل و ماهیت روابط و تعاملات درون دانشگاه با پس زمینه مدرسه و جامعه

نوع مقاله: پژوهشی

حسین ابراهیم‌آبادی

دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.

رایانامه: h.ebrahima@gmail.com

چکیده

هدف: هدف تحقیق پیش رو، فهم و درک ماهیت و عوامل شکل دهنده روابط و تعاملات نسل‌های مختلف دانشجویان است.

روش: برای دستیابی به این هدف از رویکرد کیفی و روش پدیدار شناسی استفاده شده است. برای دستیابی به اطلاعات با بیست و پنج نفر از دانشجویان و فارغ التحصیلان، به دو شکل نیمه ساخت یافته و باز، مصاحبه و درسه مورد گفت و گوی جمعی در گروه‌های سه تا پنج نفره به اجرا درآمد. یافته‌ها در پنج مقوله نسل‌های دانشجویی، مشخصه‌های قبل از ورود به دانشگاه، ویژگی‌های دانشجویان در دوره‌ها و نسل‌های مختلف، تجارب زیست در دانشگاه و تحولات نگرشی در آن و نهایتاً موقعیت دانشگاه طبقه‌بندی شد. از نظر محتوایی نیز وضعیت دانشجویان با پس زمینه مدرسه و محیط اجتماعی، فضای در حال دگرگونی فرهنگ و جامعه و جریان در حال تحول دانشگاه در مؤلفه‌هایی مانند، احساس تعلق به مدرسه و دانشگاه، سطوح تعاملات، چشم‌انداز اشتغال، امید به آینده، فردگرایی و جمع‌گرایی وپیوستگی و گسستگی با فرهنگ و جامعه ملاحظه و طرف توجه واقع شد.

یافته‌ها: در طول زمان، دانشگاه تحت تأثیر دگرگونی‌های بیرونی (اقتصاد، جامعه و مدرسه) و تحولات درونی (تغییردر کارویژه‌های دانشگاه و تحول ذهنی و نگرشی دانشجویان) جایگاه کلاسیک خود را از دست داده و این امر بر شکل و محتوای روابط و تعاملات دانشجو، اولویت‌های آن‌ها، احساس تعلق به دانشگاه و کارکرد اجتماعات دانشجویی اثرگذاربوده است.

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین اتفاق در سال‌های اخیر، فرسودگی تحصیلی، بی‌انگیزگی در یادگیری برنامه‌های رسمی و جریان درحال گسترش احساس ناکامی است. در نتیجه، دانشجویان برای رهایی از سبک‌های اجباری و آمادگی بیشتر برای اشتغال، به فعالیت و یادگیری در خارج از دانشگاه سوق پیدا کرده‌اند. این تغییرات علاوه‌بر تأثیر عمیق بر رفتار انتخابی دانشجویان و پاسخ آن‌ها به نیازهای سبک‌های جدید زندگی، به‌معنای نزدیکی هر چه بیشتر "فضای یادگیری با سودمندی"، "تعاملات دانسجویی با فضای فراغتی" و "سبک یادگیری با سبک زندگی" دانشجویان و شخصی شدن یادگیری دانشجویان برای زندگی در جامعه و بازار کار سیال و ناپایداری است که دانشگاه توان یا آمادگی پاسخگویی به آن را ندارد.

واژه های کلیدی: نسل‌های دانشجویی، روابط و تعاملات، ویژگی‌های قبل از دانشگاه، کارویژه‌های دانشگاه، تحولات ذهنی و نگرشی.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

مقدمه و بیان مسئله: چارچوب تحلیلی و ادراکی؛ تبیین الگوهای ارتباطی و کنش متقابل دانشجویان

به نظر می‌رسد شکل، مناسبات و الگوی روابط دانشجویان در دانشگاه تابعی از دو تجربه باشد؛ بخشی که دانشجویان از مدرسه، خانواده و محیط اجتماعی که در آن پرورش یافته‌اند به دانشگاه سرازیر می‌کنند و بخشی دیگر ناشی از تجربه زندگی تحصیلی و زیست در دانشگاه است. در بخش نخست، آنچه که دانشجو با خود از بیرون دانشگاه به همراه می‌آورد عبارت است از فرهنگ و ارزش‌های برآمده از پایگاه اقتصادی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، پیشینه و محل تحصیل، احساس تعلق (خانواده- جامعه) و نگرش‌ها و پیش‌آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی که به همراه فرد به دانشگاه منتقل می‌شود. در بخش دوم و سطح درونی، به آنچه دانشجو در محیط دانشگاه تجربه می‌کند، مربوط است؛ مانند، سابقه دانشگاه، جو دانشگاه، رشته تحصیلی، ترکیب جمعیت دانشجویی (حجم و ساخت اجتماعی)، کنش‌های فردی و جمعی، موقعیت علمی دانشگاه و در نهایت فضا و نظام رفتاری حاکم بر کلاس‌های درس و محیط دانشگاه.

کیم و ساکس (۲۰۰۹) و کیم و لاندبرگ (۲۰۱۶) با تأکید بر تأثیر تفاوت‌ها بر اساس جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی و تفاوت‌های نسلی بر تعامل دانشجو و استاد، در آخرین یادداشت خود می‌گویند، هرچند نقش خودچالشی تحصیلی و احساس تعلق دانشجویان، مکانیسم‌های زیربنایی تعامل دانشجو و استاد، تعامل در کلاس درس و توسعه مهارت‌های شناختی را توضیح می‌دهد و همچنین توضیح‌دهنده تعامل دانشجو و استاد با سطوح بیشتری از مشارکت کلاسی است، (که به‌نوبه خود رشد مهارت‌های شناختی یادگیرندگان را تسهیل می‌کند)، اما همچنان که یافته‌ها نشان می‌دهند، چنین به نظر می‌رسد که مسیرهای تعاملات دانشجویان، پیچیده‌تر از آن چیزی است که در نظریه‌ها یا مدل‌های تأثیر کالج سنتی فرض می‌شود.

اگرچه تحقیقات قبلی نشان داده است که تعاملات دانشجویی در اشکال رسمی و در فرایند تحصیل و یادگیری در دانشگاه (آنایا و کول، ۲۰۰۱؛ چیکرینگ، ۱۹۶۹؛ چیکرینگ و ریسر، ۱۹۹۳؛ کوکلی، ۲۰۰۰؛ ترنزینی و پاسکارلا، ۱۹۸۰؛ روزنتال و همکاران، ۲۰۰۰) مهم و از بنیان‌های شکل‌دهی مناسبات میان عناصر و کنشگران محیط‌های آموزشی محسوب می‌شود، اما روابط و تعاملات، در شکل غیررسمی که عامل اصلی باروری فرهنگ دانشگاهی به شمار می‌رود، نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نگرش‌ها، علایق و ارزش‌های دانشجویان دارد. درعین‌حال بنا بر نظر بین (۱۹۸۵) باید شناسایی کنیم که کدام جنبه از تعاملات دانشجویان و استادان مفید است و چگونه می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر دانشجویان برای ماندن در دانشگاه و احساس تعلق آن‌ها به دانشگاه تأثیر بگذارد، میل آن‌ها را برای کار سخت افزایش دهد، آن‌ها را برای لذت بردن از یادگیری تحریک کند و مشوقی باشد برای تلاش بیشتر در رسیدن به استانداردهای بالاتر پیشرفت. در سال‌های اخیر افرادی مانند کوماراجو (۲۰۱۰) و فرناندز و همکاران (۲۰۲۳) ابعاد جدیدی از تعاملات دانشجویان را توضیح داده‌اند. برای نمونه فرناندز و همکاران گزارش کرده‌اند، احساس تعلق، انگیزه اساسی است که و در مجموعه آموزش عالی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان مرتبط بوده است. همچنین، بافت دانشگاه و چگونگی تجربه جنسیتی و هویتی-اقتصادی در ارتباط است و درک بهتری از احساس تعلق به دانشگاه به دست می‌دهد. همچنین یافته‌های این محققان نشان می‌دهد هرچند چگونگی تجربه تعلق به دانشگاه با هویت دانشجویان مرتبط است اما تجارب جنسیتی و هویتی/ اجتماعی به همراه سرمایه فرهنگی، در گذر زمان، گاه به‌عنوان "احساس ضد تعلق" عمل می‌کند. در نظر این محققان و کوماراجو، تعاملات دانشجویان با استادان در گسترش خود پنداره و انگیزش پیشرفت دانشجویان تأثیر مثبت دارد. در این چارچوب، به نظر می‌رسد، نوع، دامنه و شدت روابط و تعاملات درون دانشگاه و دانشجویان با دانشجویان و دانشجویان با استادان، بر احساس تعلق و پذیرش هویت دانشجویی تأثیر و رابطه مثبتی داشته باشد. دایر (۲۰۱۵) با نقد ذهنیت و راهبردهای سنتی مؤسسات آموزش عالی که مبتنی است بر

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

ارائه خدمات و محصول، مسیر جدیدی از تحقیقات در موضوع تعاملات درون دانشگاه را طرف توجه قرار می‌دهد. از نظر دایر، مؤسسات آموزش عالی تنها می‌توانند فرآیند خلق ارزش را با تقویت تعاملات، ایجاد فعالیت‌های یادگیری که امکان غنی‌سازی تجارب یادگیری و ایجاد ساختارهایی برای حمایت از این تجربیات را فراهم می‌کند، تسهیل کنند. در همین باره، هارز و همکاران (۲۰۲۳) در گزارش تحقیق خود، به بازخورد دانشجویان سال اول علوم پزشکی و دامپزشکی پس از یک تجربه " برنامه هنری و علوم انسانی" در آموزش پزشکی اشاره و نتیجه گرفته‌اند که برنامه هنر و علوم انسانی دانش جویان را در مورد سؤالات عمیق پزشکی تشویق می‌کند. دیوید وانگ (۲۰۱۲) گزارش می‌کند، مطالعه کیفی یک‌ساله ما، ماهیت پیچیده تعامل استاد و دانشجو را در خارج از کلاس درس بررسی کرد. گونه شناسی به‌دست‌آمده ما پنج نوع تعامل را شناسایی می‌کند: عدم مشارکت، تماس اتفاقی، تعامل عملکردی، تعامل شخصی و راهنمایی. این گونه شناسی دریچه جدیدی را در اختیار محققان قرار می‌دهد که از طریق آن می‌توانند تعامل استاد و دانشجو را بررسی کنند و نشان می‌دهد که حتی تعاملات غیر آکادمیک بین دانشجویان و اساتید می‌تواند برای دانشجویان معنادار باشد. در نهایت، این نوع شناسی به اساتید، کارکنان و مدیران این امکان را می‌دهد تا شیوه‌های فعلی را بهبود بخشند و ابتکاراتی را توسعه دهند که بین استادان و دانشجویان در خارج از کلاس درس ایجاد پل کند. کاکس و اورهوک (۲۰۰۷) می‌گویند، بر اساس آنچه آلپورت در تعریف روان‌شناسی اجتماعی گفته است، یعنی درک و تبیین افکار، احساسات و رفتار فرد تحت تاثیر حضور (واقعی، خیالی، تلویحی) دیگران، با استنباط از نظر کلی لیند گرن[1] درباره تعریف آلپورت که موقعیت یا نقش دانشجو در یک ساختار پیچیده اجتماعی و فرهنگی به نام دانشگاه را به‌ویژه در الگوی روابط با دیگران و نهاد دانشگاه موردتوجه قرار می‌دهد، می‌توان گفت، دانشگاه به‌عنوان یک موقعیت در ارتباط و تعامل با محیط پیرامون و آنچه دانشجویان و استادان از مدرسه و جامعه به همراه خود به دانشگاه می‌آورند معنا پیدا می‌کند. بر این اساس است که قانعی راد و ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۸) فرایند حضور و خروج دانشجویان به فرایندهای عضویت اجتماعی در دانشگاه را به تجربه آن‌ها در درون اجتماعات دیگر شبیه به هم می‌دانند. از نظر این دو، در دنیای چندلایه دانشگاه، تصمیمات دانشجویان برای ماندن یا ترک دانشگاه، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از تجربیات اجتماعی (شخصی) و فکری (هنجاری) فرد در اجتماعات گوناگون اجتماعی، آموزشی و علمی پیروی می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، تصمیمات فرد بیانگر تفسیر او از تجربیات خویش است؛ بنابراین درعین‌حال که شکل و سبک زندگی فرهنگی و علمی در دانشگاه انعکاسی است از ویژگی‌های شخصی، به‌شدت تحت تأثیر اندازه و چگونگی تعاملات و مناسبات افراد با دیگران (دانشجویان و استادان) قرار دارد. بر اساس ادبیات یادگیری تعاملی، همکاری و تعامل در فرایندهای آموزشی و یادگیری، عملکرد و موفقیت دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یادگیری همکارانه و تعاملی، عملکرد و موفقیت بالاتر و بهره‌وری بیشتری را موجب می‌شود. این سبک یادگیری از طریق گسترش روابط بین فردی و احساس تعلق به محیط دانشگاه، انتظار تعامل مثبت و سازنده در آینده را افزایش می‌دهد و بر سطوح یادگیری تحصیلی و اجتماعی اثربخش می‌شود.

در ایران و در میان محققان ایرانی به‌مانند جریان جهانی علوم اجتماعی، روابط، ارتباط و تعامل، در آموزش عالی و نهاد دانشگاه و محیط و عوامل پیرامون، از دو منظر جامعه‌شناسی و روانشناسی/تربیتی طرف توجه بوده است که به‌اجمال معرفی می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی تعاملات در نهاد دانشگاه و کلاس درس به‌عنوان یک موقعیت موردتوجه جامعه شناسان بوده است. مرجایی و طباطبایی (۱۳۷۹) ساختار اجتماعی محیط‌های علمی و کمیت و کیفیت تعاملات دانشجویان را بررسی و خود اثربخشی دانشجویان را علاوه بر متغیرهایی مانند اشتغال، وضعیت زندگی و ارتباط با خانواده به تعاملات دانشجویان مرتبط دانستند. قانعی راد (۱۳۸۵) تعاملات دانشجویان و کنشگری در دانشگاه و اجتماعات علمی در میان رشته‌های علوم اجتماعی را موردمطالعه قرار داد. در تحقیق قانعی راد، تعاملات بین دانشجویان در میزان انگیزش،

[1] . Henry Clay Lindgren

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

حمایت عاطفی و موفقیت تحصیلی تأثیر مثبتی نشان داد و نتایج دیگر نشان داد دانشجویان با یکپارچگی اجتماعی بیشتر از یادگیری تعاملی بیشتری برخوردارند. او نیز مانند تحقیق قبلی اثربخشی و احساس رضایت را در دانشجویان دارای تعامل بیشتر را تائید کرد. هرچند در نظر قانعی راد فردگرایی گسترش‌یافته به‌عنوان عاملی شکننده، روابط و تعاملات دانشجویان را کم‌رنگ و کم اثر می‌سازد. عبداللهی (۱۳۸۸) در مقاله تأملات ایرانی و سرمایه اجتماعی در ایران نسل‌های مختلف رشته‌های جامعه‌شناسی را از منظر سرمایه اجتماعی مورد تأمل قرار می‌دهد و چالش‌ها و موانع کاهش روابط و تعاملات درونی و بیرونی را موردتوجه قرار می‌دهد. ذکایی در کتاب جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی (۱۳۹۳) در میان بیشتر دانشجویان روابط عاطفی بین تحصیلات و فرهنگ دانشگاهی برقرار نیست و یکی از عوامل آن اختلال در روابط میان کنشگران دانشگاهی است. نواح و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود، عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان را موردبررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان. آن‌ها گزارش کردند، سرمایه‌ها قابل‌تبدیل به یکدیگرند و موفقیت فرد در قلمرو اجتماعی علم با توجه به ترکیب سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌شود و این به سرمایه‌های آن‌ها در بیرون و درون فضای آکادمی در ارتباط است. رزاقی، صالحی عمران و کاظمی (۱۳۹۹). در تحقیق خود می‌گویند، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شبکه اجتماعی رسمی تأثیر معنی‌داری بر عملکرد تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نداشته است، درحالی‌که شبکه اجتماعی غیررسمی و تعاملات درون آن، بیشترین تأثیر مثبت بر متغیر عملکرد تحصیلی داشته است.

از منظر روان‌شناختی و تربیتی، روابط و تعاملات در چارچوب اثربخشی بر عملکرد تحصیلی و بهزیستی در دانشگاه موردتوجه قرار می‌گیرد. یمنی در کتاب از مدرسه تا دانشگاه (۱۳۹۱) با تأکید بر لزوم توجه به سطوح قبلی آموزش عالی، وضعیت علمی در نظام آموزش عالی را در ارتباط با آموزش ابتدایی و آموزش متوسطه قابل‌فهم می‌داند. همچنین یمنی در کتاب فرازوفرود کیفیت آموزش عالی در ایران (۱۴۰۳) به چند شوک از جمله شوک فرهنگی، شوک ناشی از برخورد رؤیاها با واقعیت و شوک دوری از خانواده اشاره دارد که در هنگام ورود با دانشگاه خود را نشان می‌دهد. از نظر این محقق، این موارد و مانند آن بر فعالیت علمی، آموزشی و اجتماعی دانشجو تأثیر می‌گذارد و در نوع روابط و نحوه سلوک و مناسبات دانشجویان در دانشگاه تاثیر دارد. خانقاه و همکاران (۱۴۰۳) به نقل از فنر و همکاران (۲۰۱۰) روابط بین فردی و توانایی ارتباط مؤثر با دیگران در حل تعارضات و ایجاد حس همدلی با دیگران بسیار ضروری می‌داند. آن‌ها با تکیه بر یافته‌های بنلاحسن و همکاران (۲۰۲۴) تأکید می‌کنند روابط و تعاملات با دیگران می‌تواند خود کارآمدی تحصیلی و بهبود عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد. در همین باره نظر لو و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند بین تعاملات دانشجویان با یکدیگر و استادان و تعامل دانشجویان با محتوا با خود کارآمدی پژوهشی و رضایت تحصیلی دانشجو رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. باقری حیدری (۱۳۹۳) در مطالعه خود موقعیت فرد در قلمرو علم و نسبت آن با سرمایه فرهنگی پرداخت و به این موضوع اشاره کرد که تعاملات استادان و دانشجویان با منابع و سرمایه فرهنگی آن‌ها در بیرون از فضای آکادمی در رابطه است. ضرابی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند تعامل و مشارکت فعالانه دانشجویان در فرایند یادگیری در آموزش عالی، محیط یادگیری فعال را به همراه دارد و به‌طورکلی جریان یادگیری را تسهیل می‌کند. رستمی نسب (۱۳۹۸) تعاملات استاد دانشجو با میانجی‌گری احساس تعلق را مثبت تلقی کرده و بر این یافته متمرکز می‌شود که بین تعاملات دانشجویان و افزایش نتایج عملکرد دانشجویان رابطه معنی‌داری به چشم می‌آید. جعفر زاده و دانشمند (۱۴۰۰) با تأکید بر شرایط شکل‌گیری تعامل استاد دانشجو و طبقه‌بندی تعاملات درون دانشگاه به سه دسته عام، شرایط مدار و دانشجو مدار، بهبود تعامل استاد و دانشجو را علاوه بر فضا و جو مثبت ارتباطی، در گرو دسترسی دانشجو به استاد در دانشگاه و بیرون از کلاس درس و محیط بیرون از دانشگاه می‌دانند. از نظر این محققان، ماهیت تعاملات و عمل مبتنی بر مشارکت بیش از موقعیت ارتباطی و تعاملی در درون یا بیرون از کلاس درس اهمیت دارد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

در همین چارچوب روان‌شناختی و تربیتی، نپ و کلارک (۲۰۱۸) با تکیه‌بر الگوی روابط بین فردی بر این باورند که یک بازی پیوسته و دادوستد متقابل بین کنشگران جریان دارد. یک جریان پیوسته و پویا که از نظر زبانی به‌عنوان گفتمان به‌عنوان دنباله‌ای مداوم از حرکات متقابل درک می‌شود. ارتباطات بین فردی با عمل زبانی تولید و تفسیر می‌شود و این آن را به یک حوزه تحقیقاتی جذاب تبدیل می‌کند. این محققان، بررسی کرده‌اند که چگونه تعامل کنندگان با استفاده از نظام‌های زبانی و منابعی که ارائه می‌دهند، حقایق، ایده‌ها، دیدگاه‌ها، عقاید، باورها، احساسات و غیره را با هم مبادله می‌کنند. این دو محقق، در تحقیقات خود به بررسی رابطه بین ادراک دانشجویان از خود با زمینه یادگیری دانشگاهی (یعنی هویت اجتماعی دانشجو)، پرداخته‌اند که نتایج آن در دو محور گزارش شده است،

یکی اینکه، بین یادگیری عمیق با هویت اجتماعی دانشجویان رابطه مثبتی برقرار است و این یافته پیش‌بینی کننده پیشرفت تحصیلی در میان آنان به‌حساب می‌آید،

دوم اینکه، رویکردهای سطحی به یادگیری نیز با هویت اجتماعی دانش‌آموزان ارتباط منفی دارد و پیش‌بینی کننده خوبی از رابطه منفی میان هویت کسب‌شده دانشجویان با اختلال در پیشرفت تحصیلی ارائه می‌کند.

این دو محقق در تبیین یافته‌های خود می‌گویند، تحقیقات قبلی نشان داده است که وضعیت اجتماعی-اقتصادی دانشجویان[1] (SES) و سرمایه اجتماعی قبل از ورود به دانشگاه بر توانایی آن‌ها برای به دست آوردن این هویت‌ها در آموزش عالی تأثیر می‌گذارد. بااین‌حال، آنچه کمتر درک می‌شود این است که آیا سرمایه اجتماعی که در طول تحصیلات دانشگاهی ایجاد می‌شود، توسعه هویت را شکل می‌دهد یا خیر؟ و اگر چنین است، آیا سرمایه اجتماعی به‌دست‌آمده در طول سال‌های دانشگاه بر هویت علمی و حرفه‌ای تأثیر متفاوتی دارد؟ این دو محقق گزارش کرده‌اند، در یک مطالعه کیفی، ما با ۲۶ دانشجوی دانمارکی و ۱۱ دانشجوی استرالیایی در مورد تجربیات تعامل اجتماعی، فرصت‌هایشان برای توسعه سرمایه اجتماعی و همچنین سرمایه ارتباطی برای فهم هویت علمی و حرفه‌ای آن‌ها مصاحبه کردیم. یافته‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که پیوند سرمایه اجتماعی با دانش‌آموزان، شکل‌گیری هویت تحصیلی را تسهیل می‌کند، چنین سرمایه اجتماعی منجر به توسعه هویت حرفه‌ای نمی‌شود. ما همچنین دریافتیم که توسعه سرمایه اجتماعی با مربیان، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند. بااین‌حال، پیوند سرمایه اجتماعی در بین دانش آموزان مانع از مشارکت در تعامل با مربیان می‌شود و در نتیجه بیشتر مانع شکل‌گیری هویت حرفه‌ای است. در نهایت، مبتنی بر نظریه اسناد (Attribution theory) که یکی از مقوله‌های مهم روان‌شناسی اجتماعی تعلیم و تربیت شمار می‌رود، درحالی‌که پیشینه والدین دانش‌آموزان بر دشواری درک شده در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای تأثیری نداشت، این تمایل وجود داشت که دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های SES پایین‌تر احتمال برای ارائه اسناد (Attribution) درونی داشته باشند، درحالی‌که آن‌هایی که از پس‌زمینه‌های SES بالاتری دارند، به‌احتمال‌زیاد نسبت‌های بیرونی را برای شکست انتخاب می‌کنند. این به آن معنی است که همه دانشجویان به‌طور یکسان از فرصت‌های توسعه هویت در دانشگاه بهره نمی‌برند. دانشجویانی که از فرصت‌های دانشگاه بیشترین بهره را می‌برند، آن‌هایی هستند که از وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر (SES) برخوردارند که قبل از ورود به دانشگاه، سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به همتایان خود داشته‌اند.

[1] . Socioeconomic status

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

کوماراجو و همکاران (۲۰۱۰) تعاملات دانشجو و استاد را جزئی از یکپارچگی اجتماعی برمی‌شمارند، مفهومی کلیدی که از نظر ایشان در تئوری تداوم دانشجویی تینتو از حمایت خوب تجربی برخوردار شده است. بااین‌حال، تأثیر یکپارچگی اجتماعی برای دانش آموزان در تحقیقات دیگری مورد پرسش قرار گرفته است. در این تحقیق، در مصاحبه با دانشجویان ازجمله کسانی که از تحصیلات عالی انصراف داده‌اند، درباره ماهیت تعاملات دانشجو و اساتید و تأثیر آن‌ها بر تداوم تحصیلی دقت بیشتری شده است. درنتیجه در نظر ایشان، تعاملات در کلاس درس ازجمله تعامل یادگیرنده و استاد، موجب پایداری در تحصیل و مزایای دیگر زندگی آکادمیک می‌شود.

کار ویژه دانشگاه در ایران و تأثیر آن بر دوگانه تحصیل و سبک زندگی دانشجویان: از منظر روان‌شناسی، آن چنانکه سانتراک[1] (۲۰۱۲) اظهار می‌کند، انتقال از دبیرستان به کالج، انتقال به ساختار آموزشی بزرگ‌تر و درعین‌حال جدی‌تر، تعامل با دیگر دانشجویان از مناطق جغرافیایی و قومی متنوع‌تر، تمرکز بیشتر بر پیشرفت به دلیل انتظارات تخصصی و فرسایش‌های عاطفی ناشی از دوری از خانواده است. از نگاه دیگر، هورتادو (۲۰۰۷) در کتاب جامعه‌شناسی آموزش عالی و مقاله تاثیر کالج با انتقاد از سیطره روان‌شناسی بر موضوعاتی مانند یادگیری و پیشرفت دانشجویان و ماهیت جامعه‌شناختی تأثیر دانشگاه بر دانشجویان، می‌گوید تحقیقات درباره دانشجویان پسا دبیرستانی، بر پیامدهای کالج به‌عنوان تابعی از ویژگی‌های موسسه‌ها و برنامه‌های درسی آن‌ها تمرکز داشته‌اند. برای نمونه او به نقل از پژوهشگران این حوزه، بر تأثیر ویژگی‌های ظاهری و ساختار موسسه، تأثیر هنجارهای محیط اجتماعی و ماهیت اجتماعی رفتار دانشجویان تأکید دارد که موجب تقویت و یا تضعیف تأثیر کالج بر رفتار و تعامل دانشجویان می‌شود. شانک[2] (۱۳۹۳) نیز مبتنی بر رویکرد تربیتی، گذار تحصیلی از دوره‌ای به دورهٔ دیگر و از مقطعی به مقطع دیگر را چالش‌برانگیز و زمینه‌ساز تعارضات و تنش‌ها در زندگی دانش‌آموزان و دانشجویان می‌داند؛ به‌ویژه، آنکه این گذار با تغییراتی در برنامهٔ درسی و آموزش دانشگاهی نسبت به مدرسه همراه است و تداوم تراکم و حجم آموزش متن‌محور، زمینه‌ساز بروز مشکلات روانی و اجتماعی در میان دانشجویان می‌شود. در کنار این چالش، در کشورهایی مانند ایران، آن چنانکه نویسنده این مقاله در گزارش‌های قبلی خود آورده است، تداوم فشار ناشی از بار اضافی[3] که از مدرسه و دبیرستان آغاز می‌شود و در کنکور به اوج خود می‌رسد، فشاری مضاعف از سوی جامعه، رسانه‌ها، خانواده‌ها و مربیان و مدیران بر داوطلبان ورود به دانشگاه به همراه دارد که آثار خود را در دانشگاه با پدید آیی مسئله‌هایی مانند فرسودگی و کسالت تحصیلی و درجاتی از بی‌انگیزگی نشان می‌دهد.

اهمیت دانشگاه: مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی اجتماعی آن چنانکه کریمی (۱۳۸۵) می‌گوید، زندگی افراد را می‌توان به قبل از دانشگاه و بعد از دانشگاه تقسیم کرد. چرا که ۱۸ سالگی آغاز بزرگ‌سالی محسوب می‌شود که در مرکزیت این مرحله از رشد روانی و جسمانی، موضوع انتخاب‌های سرنوشت‌ساز مانند ازدواج و اشتغال و در کلیت آن زندگی در خارج از بافت خانواده نهفته است. در این میان دانشجویان ایرانی علاوه بر ویژگی‌های مشترک با دانشجویان جوامع دیگر، به دلیل تحصیل در مدارس تک جنسیتی و برخی محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی با فضای گشوده‌تر در دانشگاه به‌ویژه در ارتباط با جنس مخالف مواجه می‌شوند. ازاین‌رو، محدودیت‌های دوره تحصیلی متوسطه، گذران فراغت در بیرون از دانشگاه در ایران را تبدیل به محلی برای آزادتر شدن و انتخاب سبک زندگی موردنظر دانشجویان ایرانی نیز کرده است که در نتیجه آن بر جذابیت و کشش زندگی در دانشگاه تأثیر قابل‌توجهی گذاشته است. به همین دلایل می‌توان گفت، دانشگاه در ایران علاوه بر فعالیت‌های تحصیلی، همواره محلی برای لذت بردن از زندگی در ورای درس‌ومشق نیز بوده است. موضوعی که در همه دانشگاه‌های جهان

[1]. Santrock
[2]. Shank
[3]. Overload

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

دیده می‌شود اما نه به پررنگی دانشگاه‌های ایران. برک (۲۰۰۷) می‌گوید دانشجویان در طول سال‌های دانشگاه، خودآگاهی بیشتر، عزت‌نفس بالاتر و احساس هویت مستحکم‌تری را پرورش می‌دهند؛ اما در دانشگاه ایرانی به نظر می‌رسد احساس رهاشدگی، آزادی در انتخاب سبک زندگی و تنوع فرهنگی محیط دانشگاه، عوامل تشدیدکننده نقش و کار ویژه " لذت از دانشگاه" را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. با این نگرش دانشگاه ایرانی علاوه بر کارکرد "آموزش، تحصیل، یادگیری و پژوهش" در دو حوزه فعالیت‌های "فراغتی، فرهنگی و هنری "و "انتخاب سبک زندگی" از تمایز و تفاوت بیشتری در مقایسه با دیگر جوامع برخورداراست.

درباره تعامل دانشجو و دانشگاه اگر نظریه پایه آلپورت در روان‌شناسی اجتماعی را موردتوجه قرار دهیم و اثرپذیری فرد از حضور واقعی، تصوری و ضمنی دیگران را مبنایی برای تحلیل رفتارهای دانشجویان در میدان زیست دانشگاه را آن چنانکه کورت لوین گفته است در نظر بگیریم می‌توانیم از موقعیت و میدان جدیدی به نام فضای مجازی نیز سخن به میان آوریم. به‌ویژه با یکپارچگی پدید آمده در فناوری‌های نوپدید مانند هوش مصنوعی ما در مواجهه با فضای سایبر با حضور صرفاً تصوری دیگران در فضای شبکه رودررو نیستیم، بلکه فضای جدید (سایبر فیزیکال) ترکیبی از حضور واقعی، تصوری و ضمنی دیگران در زندگی همه ما را در هرجایی که هستیم به همراه دارد که بی‌تردید بر نگرش‌ها و احساسات و رفتارهای ما اثرگذار است. از سوی دیگر در این فضای جدید، همه‌چیز با فعالیت و کنش کاربران معنا می‌یابد و این فضا تحت تأثیر کاربران گسترش می‌یابد و در تبادل و تعامل با انسان‌ها تکامل پیدا می‌کند.

با این اتفاق جدید شاید بتوان گفت روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با چالش نوینی در قلمرو محیط فیزیکی دانشگاه مواجه شده است. این چالش دوگانه فضای سایبر و فیزیک است که موجب تغییرات گسترده در زندگی دانشگاهی شده است و یا خواهد شد که دانش و تجربه اکنون ما قادر به توضیح این پدیده نوظهور و بی‌سابقه نیست. فیلسوفان گذشته نیز بر تغییرات تأکید بسیار داشتند و زندگی بی‌تغییر را بی‌معنا می‌دانستند. مثال از یک رودخانه دو بار نمی‌توان عبور کرد از همین دیدگاه برآمده است؛ اما گسترش فناوری‌های نوظهور اطلاعاتی تغییری بسیار پردامنه‌تر به شمار می‌آید. توضیح اینکه فناوری‌های اطلاعاتی واقعیت را بیش از گذشته دست‌کاری می‌کنند و سپس در دسترس کاربران خود قرار می‌دهند. این به آن معنا است که فناوری‌های نوپدید مانند واقعیت افزوده و هوش مصنوعی این امکان را به انسان‌ها و اهل علم می‌دهند تا از لایه‌های بیرونی واقعیت عبور و با کمک فناوری‌های مورداشاره به عمیق‌ترین بخش‌های واقعیت نزدیک شوند.

پایا (۱۳۹۸) در بحث فناوری‌های همگرا به مورد قابل‌توجهی اشاره می‌کند، یکی از جالب‌ترین موارد تأثیر تکنولوژی بر نحوه اندیشیدن افراد، در مورد فردریش نیچه، فیلسوف برجسته آلمانی در قرن نوزدهم، مشاهده شده است. نیچه در اوایل دهه ۱۸۸۰ دریافت که بینایی‌اش در حال زوال است. در ۱۸۸۲ یک ماشین‌تحریر خریداری کرد و پیش از آنکه بینایی‌اش را به‌طور کامل از دست بدهد، کار کردن با آن را با چشمان بسته فراگرفت. مدتی بعد، یکی از دوستان نیچه که موسیقی‌دان بود و آثار نیچه را باعلاقه می‌خواند، به او یادآوری کرد که نثر او تغییر محسوسی کرده و صورت تلگرافی و مقطع به خود گرفته است. یک متخصص رسانه به نام فردریش کیلتر در بررسی آثار نیچه، به این نتیجه رسیده است که نثر نیچه پس از شروع استفاده از ماشین‌تحریر، «از صورت استدلالی به کلمات قصار و از شکل اندیشه‌های مشخص، به جناس و ایهام و از قالب بدیع به شیوه بریده و تلگرافی» تغییر کرد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

حال می‌توان، تصور کرد که کودکانی که از سنین پایین با این ابزار و دیگر ابزارهای دیجیتالی انتقال اطلاعات مانند «پیامک» سروکار دارند، چه نوع عادت مطالعه و خواندنی را در خود پرورش خواهند داد؛ اما آنچه خطر این نوع رویارویی با ابزارهای جدید را بسیار افزایش می‌دهد، توانایی فوق‌العاده‌ای است که افراد از طریق همگرایی فناوری‌های جدید برای دستیابی به اطلاعات، به دست می‌آورند. یکی از تحولات آتی در زمینه فناوری‌های همگرا، برقراری ارتباط میان مغز آدمی و رایانه‌ها به‌صورت مستقیم است. فناوری‌های همگرا این امکان را پدید می‌آورند که تراشه‌های حاوی حجم بسیار زیادی از اطلاعات، به‌طور مستقیم در بدن آدمی (احیاناً در قسمتی از جمجمه و در اتصال بی‌واسطه با مغز) مورداستفاده قرار گیرند. این تراشه‌ها علاوه بر ارائه حجم بسیار زیادی از اطلاعات، می‌توانند قدرت پردازش فراوانی را نیز در اختیار اشخاص قرار دهند. همچنین با بهره‌گیری از فناوری جدید می‌توان میان مغز و دستگاه‌های کامپیوتر غول‌آسایی که در مراکز مختلف قرار دارند، ارتباط بی‌سیم و از راه دور برقرار کرد. به‌این‌ترتیب هر فردی می‌تواند قدرت پردازش حجم بسیار زیادی از اطلاعات را در اختیار داشته باشد.

این توانایی تکنولوژیک ممکن است به ظهور «شبه انسان»هایی بینجامد که از حیث توانایی‌های محاسباتی و پردازشی در اوج قرار بگیرند، اما از نظر قابلیت‌های عاطفی-احساسی و تمیز مناسب‌ترین رویکردها برای دستیابی به اهداف و بالاتر از آن، دسته‌بندی و اولویت‌دهی به اهداف مختلف، به‌اندازه کافی رشد نکرده باشند.

روش پژوهش

این مقاله، برآمده از پژوهشی است که به روش مطالعه نظام‌مند بر روی پژوهش‌های گذشته و با بهره‌گیری از الگوی پدیدارشناسی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته و گروه‌های کانونی انجام گرفته است. برای رسیدن به افراد در نسل‌های مختلف دانشجویی از طریق نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) و نمونه افراد در دسترس (Convenience sampling) بهره گرفته شد. شکل اجرای تحقیق این‌گونه بود که در یک دوره زمانی نزدیک به دو سال (گفت‌وگوهایی از پاسداران تا اکباتان) با استادان، مدیران مدارس، معلمان، مشاوران تحصیلی، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دوره‌های مختلف در طول سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ به اشکال مختلف (فردی و جمعی در شبکه اجتماعی و یا حضوری) گفت‌وگوها انجام و یافته‌ها گردآوری شد. هدف این بود که با تکیه بر تجربه زیست دانشجویان در دانشگاه و قبل از ورود به دانشگاه، تصویری روشن‌تر از تصور و ذهنیت نسل‌های مختلف دانشجویی از دانشگاه و کشاننده ها و برانگیزاننده های اجتماعی ورود به دانشگاه و اثرات موقعیتی به نام محیط دانشگاه و مناسبات درون آن بر ذهنیت، هیجانات و رفتارهای نهایی دانشجویان موردمطالعه قرار گیرد. موضوع یا پرسش مهم دیگر اینکه در دانشگاه این تصویر و تصور چقدر به واقعیت پیوست و رابطه و تعامل دانشجویان با دانشگاه و دانشگاه با دانشجویان به چه نتایجی رسید؟ در نوشته حاضر از منظری بینا رشته‌ای و میان‌رشته‌ای، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیرات چهار موج دانشجو/ دانشگاه در جامعه ایران به بحث گذاشته شده است.

برای دستیابی به این هدف از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی استفاده شد. برای دست‌یابی به اطلاعات با بیست‌وپنج نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان که به دو شکل نیمه ساخت‌یافته و باز، مصاحبه و در سه مورد گفت‌وگوی جمعی در گروه‌های سه تا پنج‌نفره به اجرا درآمد. یافته‌ها در پنج مقوله نسل‌های دانشجویی، مشخصه‌های قبل از ورود به دانشگاه، ویژگی‌های دانشجویان در دوره‌ها و نسل‌های مختلف، تجارب زیست در دانشگاه و تحولات نگرشی در آن و نهایتاً موقعیت دانشگاه طبقه‌بندی شد. از نظر محتوایی نیز وضعیت دانشجویان با پس‌زمینه مدرسه و محیط اجتماعی، فضای در حال دگرگونی فرهنگ و جامعه و جریان در حال تحول دانشگاه در مؤلفه‌هایی مانند، احساس

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

تعلق به مدرسه و دانشگاه، سطوح تعاملات، چشم‌انداز اشتغال، امید به آینده، فردگرایی و جمع‌گرایی و پیوستگی و گسستگی با فرهنگ و جامعه ملاحظه و طرف توجه واقع شد.

یافته‌های پژوهش

شکل و ماهیت روابط و تعاملات دانشجویان ایران در چند دهه گذشته: چگونگی و الگوی روابط و تعاملات دانشجویان در ایران، توسط محققان ایرانی در سال‌های اخیر موردتوجه بوده است. در این پژوهش‌ها محققان ازجمله (قانعی راد،۱۳۸۵؛ شارع پور و فاضلی،۱۳۸۶، جوکار،۱۳۸۱؛ حسن‌آبادی،۱۳۹۵؛ ذکایی و اسماعیلی،۱۳۹۳؛ سراج زاده، ۱۳۹۴؛ فکری،۱۳۹۶؛ کاظمی و همکاران،۱۳۹۶؛ صمیم، ۱۳۹۸؛ جواهری،۱۴۰۱؛ فراستخواه،۱۴۰۱؛ هادی و همکاران، ۱۴۰۲) وجوه ارتباطی و تعاملی دانشجویان در بافت فرهنگی و اجتماعی ایران و دانشگاه ایرانی و همچنین شکل و زمینه‌های هویتی مانند سبک زندگی، احساس تعلق و موقعیت اجتماعی دانشجویان را به بحث گذاشته‌اند و توضیح داده‌اند.

در این تحقیقات، شکل و ماهیت تعاملات دانشجویان، الگوی روابط در اجتماعات علمی رسمی و غیررسمی دانشگاهی، پس‌زمینه‌های شکل‌گیری و اختلال در مناسبات دانشجویی و پدیده‌های نوظهوری مانند، سبک‌های جدید زندگی دانشجویی، فرهنگ جدید یادگیری، بی‌انگیزگی و کسالت تحصیلی در محیط دانشگاه و کلاس درس دانشگاهی و در نهایت فرصت‌ها و آسیب‌های اجتماعی محیطی به نام دانشگاه موردتوجه و مطالعه قرار گرفته است.

توصیف و تبیین نگرش‌ها و ارزش‌های دانشجویان در دوره‌های مختلف، محرک اصلی در ارزیابی و تحلیل به شمار می‌آید. بااین‌حال پرواضح است که این تبیین احوالات دانشجویی در بستر تحولات پرشتاب محیط پیرامون و دگرگونی‌های آموزش عالی ایران در گذار از "انبوه گرایی" و "امید به آینده" به "پدیده صندلی خالی" و چشم‌انداز مه‌آلود" قابل توضیح است؛ و سپس ورود تحلیلی به دوران این زمانی دانشگاه ایرانی که نقطه کانونی آن تحت تأثیر بن‌بست‌ها و تحولات اقتصادی است و مسئله محوری آن دربرگیرنده موضوع فرسایش در همه ابعاد ساختاری، محتوایی و کارکردی است. جدول شماره یک مسیر این دگرگونی را در یک طبقه‌بندی طولی نشان داده است تا چشم‌انداز واضح‌تری به خواننده ارائه نماید.

جدول نسل‌ها و موج‌های دانشجو و دانشگاه در ایران پس از انقلاب

نسل‌های دانشجویی در طول زمان	مشخصه‌های اصلی داوطلبان دانشگاه (قبل از ورود)	ویژگی‌های دانشجویی	تحول نگرشی و رفتاری	موقعیت دانشگاه
موج اول دانشجویان متولد دهه پنجاه (ورودی دهه هفتاد) دانشگاه در حال	مسئولیت‌پذیر، تعلق به نهاد خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی و اعتماد به جامعه- دولت	منزلت دانشگاه، همدلی و هم‌فکری با جامعه و دانشگاه، مسئولیت در قبال جامعه تا حدودی ایدئولوژیک	محیطی تازه برای دنبال کردن آرزوهای خود وجود نگرش‌های	دانشگاه در حال گسترش در فرم و محتوا

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

گسترش			متنوع و متفاوت	
موج دوم دانشجویان متولد دهه شصت (ورودی‌های دهه هشتاد)- دانشگاه توده‌گرا	رقابت‌جو، درس‌خوان، گرایش به رشته‌ها و دانشگاه‌های مطرح، امیدوار به آینده	درس‌خوان، پذیرنده کلاس و فعال در فعالیت‌های علمی و فرهنگی	افزایش سطح مطالبه گری، تغییر نامحسوس در سبک زندگی و تلاشگر فعال در کار علمی	ظهور دانشگاه‌های بزرگ و کوچک در پهنه سرزمینی انبوه شدگی کلاس درس و فضاهای دانشگاهی- گسترش خدمات دانشجویی- دانشگاه مسئول و کنشگر در قبال دانشجویان
موج سوم دانشجویان متولد دهه ۷۰ (ورودی‌های دهه نود)-دانشگاه معطوف به همه رشته‌ها و مقاطع	رقابت‌جویی، گرایش به رشته‌های متنوع‌تر و امید کمتر به آینده	فرسودگی تحصیلی- بی‌کلاسی کلاس درس- چشم‌انداز منفی به اشتغال- تمایل به نحله‌های معنوی و عرفانی- تشدید گرایش به چپ	گرایش به آزادی اجتماعی و دوری از خوانش رسمی دین‌داری	دانشگاه با درجاتی از تزلزل در جایگاه و پاسخ به انتظارات
موج چهارم: دانشجویان متولد دهه هشتاد (ورودی‌های دهه اخیر)- دانشگاه دارای صندلی خالی	جدی نگرفتن درس، فرسودگی تحصیلی، اهمال‌کاری، رهاشدگی و تعلق نداشتن به مدرسه.	جدی نگرفتن درس‌ومشق- کلوپ‌های محفلی- یأس از اشتغال- بازی گرفتن همه‌چیز و فراغتی دیدن همه‌چیز- فردگرایی پیش‌رونده- مهاجرت- تغییر دائمی احوال- دانشگاه در ادامه دبیرستان	تبدیل‌شدن تحقیقات به تجارت و منبع درآمد	دانشگاه در معرض پرسش از کارکرد و کارآمدی

دانشگاه و دانشجویان دهه ۱۳۷۰: دانشجویان این نسل پس از تجربه وقایع تاریخی و اجتماعی جنگ هشت‌ساله و پس از جنگ پا به عرصه دانشگاه گذاشتند. نسلی که به‌نوعی با آرمان‌ها و آرزوهای نسل انقلاب همدلی و پیوندهایی داشتند. تعلق به خانواده و تا حدودی نهاد دولت و رسانه در کنار سر پرشور اجتماعی و سیاسی از ویژگی‌های این نسل به شمار می‌آید. در این دوره روابط، مناسبات و تعاملات دانشجو با دیگران در دانشگاه تحت تأثیر دو اندیشه قرار داشت. یکی، تداوم سایه تنش‌های پس از جنگ و صف‌بندی‌های سیاسی مربوط به آن و جریان سازندگی که امید و رفاه و توسعه را نوید می‌داد. دانشگاه اینک در پسا جنگ و گشودگی فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میدان ظهور و برخورد اندیشه‌های درون نظام و جریان توسعه آموزش و پژوهش و علم‌ورزی بود. دانشجویان در هردو عرصه فعال و بانشاط ظاهر می‌شدند و کارکردهای اساسی دانشگاه و کلاس درس تا حدود زیادی قابل‌قبول می‌نمود. شاید در این دوره دانشگاهی در ایران، سه موضوع از دو سوی مورداشاره بیشتر خود نشان داد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

اول، تعاملات درخور توجه دانشجویان با یکدیگر در مباحث علمی و اندیشه‌ای و فرهنگی،

دوم، برخوردهای فکری که در اثر موافقان و مخالفان افرادی مانند دکتر سروش که منجر به تعارض‌ها و تنش‌هایی در سطح دانشگاه‌ها شد،

سوم، تحرک علمی و آموزشی در دانشگاه‌ها که المپیادها در پیشانی آن خودنمایی کرد.

این نسل را نسل تحرک‌بخش ورود دانشگاه ایرانی به عرصه‌های هم‌زمان کار علمی مجدانه و کار فکری، سیاسی و اجتماعی باید دانست که در گشودن فضای اجتماعی دهه ۱۳۷۰ نقش پیشتازی داشت.

دانشگاه و دانشجویان دهه ۱۳۸۰: تعلق به خانواده و جامعه مهم‌ترین ویژگی متولدان دهه ۶۰ است. آن‌ها عموماً در سایه خانواده و خواست اجتماعی حاکم بر جامعه اولویت‌های تحصیلی خود را برگزیدند. این نسل سه مشخصه دیگر نیز دارد. یکی اینکه هرچند سایه جنگ را درک کرده بودند اما نسبت به نسل قبل تعلق کم‌تری نسبت به ارزش‌های نسل انقلاب و نسل جنگ داشت و بیشتر، پیامدهای آن را در زندگی مشاهده می‌کرد. نسلی که در همه ابعاد معیشتی، بهداشتی و رفاهی چشم‌انداز مثبتی می‌دید و به آینده امیدوارانه می‌نگریست. ضمن اینکه این نسل در سایه انسجام برآمده از تحولات پسا جنگ تا حدودی در شور همگانی در پی تلاش‌هایی برای ارتقای زندگی مادی و منزلت اجتماعی همدلی نشان می‌داد و با گروه‌های مرجع در اهتمام برای ساختن آینده و رسیدن به آینده بهتر هم‌نوا بود.

دهه شصتی ها بیشترین دانشجویان دهه ۸۰ را تشکیل دادند. رقابت‌جویی مهم‌ترین ویژگی این گروه از دانشجویان بود. مطالبه گر نبودند اما انتظارات و آرزوهای بزرگ موتور محرک و انگیزش بخش زندگی آن‌ها بود. خود را متعلق به خانواده و جامعه می‌دانستند اما در گذار از مدرسه و دانشگاه با تکانه‌های ذهنی، احساسی و رفتاری قابل‌ملاحظه ای در هویت‌یابی‌های فردی و جمعی روبه‌رو شدند.

در این چهارچوب است که می‌توان گفت، عبور از خود و خواسته‌های فردگرایانه و پیوستن به جمع و تفکر جمع گرایانه در درجه اول مطلوب انسان نیست اما آدمی به حکم ضرورت و نیاز و تداوم توسعه فردی و اجتماعی راه گریزی از آن ندارد. احساس تعلق نه از روی اجبار زندگی بلکه به دلیل نیاز زندگی و سازوکارهای زیست اجتماعی، بخشی از سرشت زندگی اجتماعی به‌حساب می‌آید. به‌عبارت‌دیگر احساس تعلق به دیگران به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر هویت آدمی و از آن مهم‌تر الزامات زندگی اجتماعی و تعاون نیازها و انتظاراتی هستند که بدون آن‌ها تداوم زندگی انسان‌ها ناممکن می‌نماید. از نظر اریک فروم (...) احساس امنیت یکی از دلایل مهمی است که پیوند من و هویت شخصی با گروه و جامعه را معنادار می‌کند. بر این اساس است که فروم اظهار می‌کند: مردم زندگی خود را به خطرمی اندازند، از عشق خود صرف نظر می‌کنند، از آزادی خود چشم می‌پوشند، فکر و اندیشه خود را فدا می‌کنند تا جزئی از گروه شوند و درنتیجه احساس هویت کنند؛ بنابراین، اجتماع و جامعه به‌طور ناگزیر از یک‌سو با تفاوت، تعارض و برخورد توأم است و از دیگر سو، به‌شدت به تبادل، تعامل و همکاری نیازمند است. به‌بیان‌دیگر برخورد، تضاهم و درگیری، اساس هر اجتماع ارگانیک به شمار می‌آید و هماهنگی، همکاری و مشارکت لازمه یک جامعه برای پویایی و پیشرفت به شمار می‌آید. رویکردهای جدیدتر، تقسیم‌بندی و تفکیک میان فرد و جامعه را رویکرد مکانیکی و بنابراین تمایز میان فرد و جامعه را در یک جامعه به‌عنوان یک کل به‌هم‌پیوسته را نادرست دانسته‌اند. در این رویکرد جامعه متشکل از انبوهی از افراد نیست بلکه اجتماعی یکپارچه‌ای ارگانیک تلقی شود. مبتنی بر این رویکرد وبر پایه نظریه وبر جامعه بر پایه کنش‌ها و واکنش‌های افراد شکل

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

می‌گیرد و این روابط میان فردی و متقابل جمعی است که به محیط زندگی و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند معنا می‌بخشد. بر این مبانی دانشگاه در ادامه نهاد های بنیادین که موجبات احساس تعلق ما را فراهم آورده‌اند، به حس تعلق اجتماعی و آکادمیک آنان شدت می‌بخشد.

این به آن معنا است که در دانشگاه احساس تعلق دانشجو در شکل و محتوای نو تداوم می‌یابد که از آن به نام تعلق آکادمیک یاد می‌شود. یکی از رویکردهای موردعلاقه روان‌شناسی اجتماعی همین احساس تعلق به آکادمی است. موضوعی که به درجه پذیرش ارزش‌های دانشگاه و میزان اثرپذیری هویت فرد از هویت علمی و تحصیلی مرتبط است. هورن در کتاب نظریه تحول دانشجویی به نقل از تاور و سیمون می‌گوید، تعریف‌های تعلق از احساس کلی پذیرش اجتماعی تا احساس فرد از هویت یا جایگاهش در رابطه با یک گروه یا جامعه دانشگاهی که ممکن است موجب پاسخ عاطفی شود متغیراست. به نظر می‌رسد این احساس تعلق به دانشگاه با دیگر تعلق‌های برشمرده شده مانند تعلق به خانواده و تعلق به جامعه پیوند خورده باشد و نسلی مسئولیت‌پذیر و پر ملاحظه درباره همه‌چیز را پدید آورده باشد.

از موضع روان‌شناسی اجتماعی این نسل بیشتر از نهاد خانواده، نهاد آموزش و رسانه‌ها تأثیر بیشتری پذیرفت و کم‌تر به دنبال عبور از هنجارهای جاری در کشور و هنجار فرستی بزرگ‌سالان بود. هرچند درجاتی و سطوحی از کنش و واکنش‌ها به‌ویژه در عرصه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری بر محور تأثیرگذاری این نسل دانشگاهی به‌وضوح دیده شد که مهم‌ترین آن به تحولات برآمده از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و حضور فعال طیف‌های مختلف دانشجویی در برنامه‌های فرهنگی و هنری در سطح محیط‌های دانشگاهی و رویدادهای علمی مانند المپیادهای علمی نشانه‌هایی از این تحول در نگرش‌ها و رفتارهای دانشگاهیان و دانشجویان به‌حساب می‌آید.

دانشگاه و دانشجویان دهه نود: فرسایش دانشگاه: دانشگاه ایران از دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ با سه مشخصه توده‌گرایی / انبوه شدگی در همه ابعاد زندگی دانشجویی، میل به زندگی تحصیلی / تحول در سبک زندگی و امید به آینده استوار بود. در اثر دگرگونی‌های سیاسی، فرهنگ و سبک زندگی متحول، نفوذ فضای مجازی در ذهن و رفتار نسل‌های جدید و دیگر تغییرات درون و بیرون از دانشگاه ازجمله موج فارغ‌التحصیلان جویای شغل و زندگی پس از دانشگاه، با افق‌ها و موانع چندی روبه‌رو شد. دانشگاه دست‌یافتنی‌تر محسوب شد، از توده‌گرایی فاصله تدریجی گرفت، چشم‌انداز اشتغال با ابهام‌هایی مواجه شد و در عرصه عمومی اعتبار و منزلت دانشگاه رو به کاهش نهاد. نظام آموزش عالی پس از یک دوره گسترش کمی در همه سطوح با مشکلات، چالش‌ها و موانع تازه‌ای مواجه شد. چشم‌انداز یاس آور شغلی، خستگی و فرسودگی تحصیلی، میل رو به تزاید مهاجرت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان و تفاوت‌های نگرشی دانشجویان جدید به فرهنگ، سیاست، تحصیل، شغل و فراغت از جمله مسائلی است که به‌طور خاص از دهه ۱۳۹۰ به این‌سو رخ نشان داده است. در این دوره تحولات نگرش و ارزشی دیگری قابل‌گفتن است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یکم، تشدید ناهمسازی میان ذهنیت و ارزش‌ها و نگرش‌های دانشجویان با فرهنگ و ارزش‌های رسمی

دوم، تشدید تعارض در اندیشه و علایق و رفتار دانشجویان با دانشگاه

سوم، کاهش امید به تغییرات مطلوب دانشجویان در سطوح ساختاری و شبکه تصمیم‌گیری کشور

چهارم، همگرایی والدین و دانشجویان در نگاه به مسئله‌ها و راه‌حل‌های کلان و خرد اجتماعی سیاسی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

پنجم، نزدیک شدن خواسته‌ها و دیدگاه‌های دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها

ششم، بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی در مسائل جاری دانشگاه و یادگیری فعال

هفتم، گسترش احساس ناکامی از شکل فردی به شکل جمعی و کاهش فعالیت و تلاش در برابر فشارهای زندگی

این دسته از عوامل و دیگر تغییرات در مناسبات فرد و دانشگاه به‌تدریج دانشجویان برای برآوردن نیازهای متنوع فکری، فرهنگی، هنری و اجتماعی و از همه مهم‌تر پاسخ به "نیازهای سبک زندگی جدید" به فعالیت در خارج از دانشگاه سوق داد. پدیده لانه گزیدن دانشجویان در کافی‌شاپ‌های اطراف دانشگاه‌ها، مالهای بزرگ و مکان‌های عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک را از این منظر می‌بایست موردتوجه قرارداد. در همین چارچوب از میانه دهه ۱۳۸۰ به دلایل زیر محفل‌های خارج از دانشگاه با استقبال دانشجویان مواجه شد.

- دنبال کردن یادگیری‌هایی که در دانشگاه روی نمی‌دهد،
- بسته بودن فضای دانشگاه در نسبت به تغییرات ذهنی، احساسی و رفتاری دانشجویان و عدم پذیرش سبک جدید زندگی دانشجویی توسط مدیران دانشگاه،
- نبود و یا بهتر است بگوییم در اختیار نداشتن فضاها و منابع و امکانات فراغتی دانشگاه منطبق با نیاز و سبک زندگی دانشجویان،
- سخت‌گیری‌های مرسوم در روابط میان دختران و پسران دانشجو
- دسترسی به فضاهای شخصی شده و نیاز به شکل دادن گروه‌های غیررسمی دانشجویی

نتیجه‌گیری: تحولاتی که در بدنه و تعاملات دانشجویی ادامه دارد

در ابتدای نوشتار از اصالت فرد و اصالت جمع و کنش میان این دو سخن گفتیم و اینکه هر چه از نسل‌های دانشجویی می‌گذرد از تعلق آن‌ها به نهاده‌ای پایه مثل خانواده و دانشگاه کاسته می‌شود و خود و هویت‌های برخاسته از خواستگاه و نیازهای مبتنی بر فردیت افزایش می‌یابد. در نسل‌های جدید دانشجویی دو نشانگر متفاوت نسبت به نسل‌های گذشته دیده می‌شود. یکی وابستگی به فضای سایبر فیزیکال که به‌تدریج جایگزین نهادهای سنتی و جاری (چونان خانواده، دین، مدرسه، دانشگاه) می‌شود یا دست‌کم رقیب جدی آن نهاد های می‌شود. دوم، هویت فردی و جمعی و الگوی روابط و تعاملات تازه‌ای که در حال شکل گرفتن است و با آنچه در قبل دیده می‌شد دگرگون.

دراین‌باره دو پرسش بسیار کلیدی این است که این تعلق جدید به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از چه ماهیتی برخوردار است؟

و دیگر اینکه ما با هویت فردی و فردیت ایرانی (شکل نایافته ایرانی) جدیدی مواجه هستیم یا صرفاً شاهد عصیان نسل جدید علیه مناسبات سنتی گذشته و یا فرهنگ سنتی ایرانی مواجه هستیم؟

در پرسش اول ما با سه نوع تعلق و وابستگی کاربران دانشجو روبه‌رو هستیم

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

گروه اول که اساساً خردمندانه، هوشمندانه و عاقلانه با این فضا مواجهه دارند و همچنان یادگیری مسئله اول آن‌هاست،

گروه دوم که شامل کاربران دانشجویی است که در فضای مجازی و شبکه و اشکال جدید ماشین‌های یادگیری مانند (chat bot) بر آن‌ها غلبه نسبی پیدا می‌کند؛ اما در نهایت در میانه دو سودایی یادگیری و فراغت و لذت بردن از فضای مجازی، مسیری تا حدودی قابل دفاع برای پیشرفت تحصیلی و شغلی می‌یابند،

گروه سوم که در همه‌چیز شبکه و اینترنت غرق می‌شوند و همچون پر پرنده در امواج شبکه و اینترنت جابه‌جا می‌شوند و آینده‌ای برای آن‌ها نمی‌توان تصور کرد.

در این موضوع پور خصالیان (۱۴۰۲) به تأثیر دو نوع پلتفرم به نام پرامپتینگ (prompting platform) و نا جینگ (Al Nudging) اشاره دارد که در ساختار و بافتار هوش مصنوعی و فناوری‌های اطلاعاتی جریان دارد. این دو پلتفرم در نظر پور خصالیان، اساساً دانش، اطلاعات و موضوع بسیار مهم "توجه" به اطلاعات در فضای شبکه‌ها را در دو شکل (رسمی و غیررسمی) و (آشکار و پنهان) به‌گونه‌ای هدایت می‌کند که در نهایت رفتارهای کاربران را آن‌گونه که می‌خواهند سامان دهند. در باب توجه، یادآوری این مهم ضروری است که نظام رسانه به‌طورکلی و فضای مجازی با سرمایه‌گذاری‌های بالا تلاش می‌کنند با تکیه بر آموزه‌های روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی توجه کاربران را به بر اساس الگوهای ارتباطی به محتوا، نشانه‌ها و نمادهای معین جلب کنند و سویه‌های ذهنی خود را در رفتارهای نهایی و انتخابی کاربران تحمیل کنند. ما انسان‌ها به‌طورمعمول به محیط پیرامون توجه نشان نمی‌دهیم و این یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های مثبت زیست انسان در طول زندگی است. چراکه اگر ما به همه رخدادها و محرک‌ها پاسخ دهیم و توجه کنیم عملاً قادر به زندگی نخواهیم بود. انسان بر اساس نیاز خود به رویدادها و محرک‌های پاسخ می‌دهد و یا نیازهای ثانویه مانند شناسایی مکان و یادگیری چیزها را موردتوجه قرار می‌دهد. موضوع توجه در شبکه و فضای سایبری خود مبتنی بر روش‌های بعلاوه ای است که نقش هوش مصنوعی در آن بی‌همتا است. هوش مصنوعی با نظارت و پایش مستمر انبوه اطلاعات و محتوایی که توسط خود کاربران تولید می‌شود، انواع گرایش‌ها و امیال انسان‌ها را در صورت‌بندی‌های بزرگ تحلیل و اطلاعات آن را به نظام‌های سیاسی، تجاری، اقتصادی، خدماتی و مالی پولی و هولدینگ های بزرگ تولیدی و خدمات رسان قرار می‌دهد تا برای اکنون و آینده ارتباط با کاربران و جلب‌توجه آن‌ها به‌کارگیرند. به‌این‌ترتیب تلاش برای جلب "توجه " کاربران و سوق دادن آگاهانه یا ناخودآگاه آنان به‌سوی آنچه راهبری گردانندگان سیستم‌های هوشمند در نظر دارند به یک سیستم و فرایند دائمی تبدیل می‌شود. پور خصالیان در همین باره می‌گوید فضای سایبر و سپهر پایش آن در خدمت قیم مآبی و پاتر نالیسم افسارگسیخته، پنهان و موذیانه‌ای است که در فضای سایبر جولان می‌دهند و استراتژیست های این نظام نظارت عالیه را به‌گونه‌ای خدمت می‌گیرند تا توده‌های میلیونی و میلیاردی کاربران را به شیوه‌های مختلف کنترل کنند و مخفیانه راهبری‌شان کنند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافعی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

Resources

- Abdollahi, Mohammad and Mir Taher, Mousavi (2009). Iranian reflections on social capital in Iran (current status, future prospects and feasibility of the revolution - challenges and solutions). Aiyin Magazine, September and October 1388, No. 22 and 23 [in Persian].
- Archer, L. (2008). Younger academics' constructions of 'authenticity', 'success' and professional identity. Study High. Educ. 33, 385–403. doi: 10.1080/03075070802211729.
- Ahmadiasl, Farhad; Shahi, Sakineh; mehralizadeh, Yadullah; Farasatkhah, Maghsoud (2019). Identifying Desirable Structure Components in Higher Education: Paving the Way for Lifelong Learning, *studies in learning and instruction, 11(1), 218-238.*
- Barak, Laura. E. (2006), Developmental Psychology: From Adolescence to Old Age, Volume 2, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Tehran: Arasbaran Publishing House [in Persian].
- Bourdieu, Pierre (1994), Theory of Action: Practical Reasons and Rational Choice, translated by Morteza Mardiha (2001), Tehran: Naqsh-e-Negar Publishing House, 2002 [in Persian].
- Bagheri Heydari, Fatemeh (2014) With factors affecting messages and communications of university students (Azad, Noor and Non-profit Journal of the Sociology Association, Volume 15, No. 4, January 2014) [in Persian].
- Citation: Jensen DH and Jetten J (2015) Bridging and bonding interactions in higher education: social capital and students' academic and professional identity formation. Front. Psychol. 6:126. doi: 10.3389/fpsyg.2015.00126 Received: 27 October 2014; Accepted: 23 January 2015; Published online: 13 February 2015.
- Cox,Bradlyey and Orehovec, Elizabet(2007). Faculty-Student Interaction Outside the Classroom: A Typology from a Residential College. Johns Hopkins University Press, Volume 30, Number 4, Summer 2007 pp. 343-362
- Dwyer,tomas(2015). Persistence in higher education through student–faculty interactions in the classroom of a commuter institution. Innovations in Education and Teaching International, Pages 325-334 | Published online: 17 Nov 2015.https://doi.org/10.1080/14703297.2015.1112297
- Daniela P. Fernández · Michelle K. Ryan, Christopher T. Begeny (2023). Recognizing the diversity in how students define belonging: evidence of differing conceptualizations,including as a function of students' gender and socioeconomic background. social Psychology of Education (2023) 26:673–708. https://doi.org/10.1007/s11218-023-09761-7
- Ebrahimabadi, Hossein (2010). Scientific-educational attitudes, student role and students' problems, article in the book Educational attitudes and the impact of academic characteristics on students' attitudes and orientations, published by the Institute of Cultural and Social Studies [in Persian].
- Fekri, Fawzieh (2017), Academic Burnout with the Role of Academic Moderation, PhD Thesis, Shiraz University, Faculty of Psychology and Educational Sciences [in Persian].
- Ghazi Tabatabaei and Marjaei (2001) Study of factors affecting the affective temperament of university students of master's and doctoral degrees of Tehran University (Research in the field of social psychology and sociology of science). Volume 17, No. 1, [in Persian]
- Ghanei Rad, Mohammad Amin (2009). Academic Articles, Institute of Cultural and Social Studies Publications [in Persian]
- Ghanei Rad, Mohammad Amin and Ebrahimabadi, Hossein (2010), The Effect of the Social Structure of Education on Student Performance, Iranian Higher Education Journal, Volume 2, Issue 4, Spring 2010 [in Persian].
- Harz, Dominique; Schwartz, Andrea W; Truelian,Lee ; David S, Jones; Edward M, Hundert;Wong,Lisa M, Wong ; Pories, Susan E. (2023). Learning Harmony: Medical Student Reflections on the Intersection of the Arts & Humanities and Medicine, A Mixed Methods Study. https://doi.org/10.1080/01443410.2011.585948
- Hurtado, Sylvia (2007). Studying the impact of college, in the book Sociology of Higher Education, edited by Gamport, Patricia. J. (2007). (Translated by Mardiha, 2017) Publisher, Cultural and Social Studies Research Institute [in Persian].
- Hassanabadi, Hamidreza (2016), Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology [in Persian].
- Jokar, Bahram (2002), Structural Investigation, Beliefs of the Surrounding Person, Class Structure, Goal Orientation and Academic Outcomes, PhD Thesis in Educational Psychology, Shiraz: Shiraz University [in Persian].

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]

- Jafarzadeh, Azam; Badr Al-Sadat scientist (2017). Faculty members' life experience of professor-student in university environments, Quarterly Journal of Sociology of Education, No. 15, Spring and Summer 1400 [in Persian].
- Javaheri, Fatemeh (2019). Educational Attitudes and the Effect of Academic Characteristics on Students' Attitudes and Orientations, Institute for Cultural and Social Studies Publisher, 2019 [in Persian]
- Karimi, Yousef (2010). Social Psychology of Education, Publications, Publishing Edit [in Persian].
- Kim, Y. K., and Sax, L. J. (2009). Student-faculty interaction in research universities: differences by student gender, race, social class, and first-generation status. Res. High. Educ. 50, 437–459. doi: 10.1007/s11162-009-9127-x
- Komarraju,Meera;Musulkin,Sergey; Bahattacharya(2010). Role of Student–Faculty Interactions in Developing College Students' Academic Self-Concept, Motivation, and Achievement. Journal of College Student Development, Johns Hopkins University Press, Volume 51, Number 3, May/June 2010, pp. 332-342, 10.1353/csd.0.0137
- Kim, Y.K., Lundberg, C.A. A Structural Model of the Relationship Between Student–Faculty Interaction and Cognitive Skills Development Among College Students. Res High Educ 57, 288–309 (2016). https://doi.org/10.1007/s11162-015-9387-6
- Knapp,Andreas and Clark Margaret S. (2018). Handbooks of Applied Linguistics [HAL],
- Komarraju,Meera(2010). Role of Student–Faculty Interactions in Developing College Students' Academic Self-Concept, Motivation, and Achievement.Journal of College Student Development 51(3):332-342. DOI:10.1353/csd.0.0137.
- Khanaghah et al. (2014). Structural comparisons of the role of interpersonal relationships and classroom atmosphere in predicting the effect of students' academic self-efficacy with the mediating role of stress. Quarterly Journal of Applied Psychological Research, No. 20, Tehran University Press [in Persian].
- Nazar Lu, Seyed Taher et al. (2014). Investigating the relationships of students with family members and professors and students with self-efficacy, research and academic satisfaction, Iranian Engineering Education, Volume 24, 139, Spring 1401 [in Persian].
- Zarrabi et al. (2017). Investigating methods for creating and improving participation in educational processes in higher education, Modern Research, Volume 16, Issue 1, September 1397, University of Isfahan [in Persian].
- Pascarella, E. T., and Terenzini, P. T. (2005). How College Affects Students: A Third Decade of Research. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Pintrich, Paul, R. and Shank, Dale. H. (2011), Motivation in Education, Theories, Research and Strategies, translated by Mehrnaz Shahraray, Tehran: Alam Publishing House [in Persian].
- Pour-Khasalian, Abbas (2003), Works of ICT and Artificial Intelligence in the Field of Prompting, Information and Communication Technology Weekly [in Persian]
- Rostami Neseb, ---- (2019). Student professor and its relationship with cognitive skills, Journal of Educational Studies and Shiraz University, Volume 11, Issue 2, March 1398 [in Persian].
- Razaghi, Nader; Salehi-Omran, Ebrahim; Kazemi, Mobina (2010). The impact of social networks on the educational and research performance of Mazandan students. Journal of Educational Planning Studies, Volume 9, No. 17 [in Persian]
- Santrak, John W. (2008) Educational Psychology, Translated by Saeedi, Araghchi, Daneshfar, Publications: Rasa Cultural Services Institute [in Persian].
- Serajzadeh, Seyed Hossein and Javaheri, Fatemeh (2016), Attitudes and Behavior of Students, Tehran: Institute of Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology.
- Shank, Dale H. (2014), Perspective Theories: A Perspective on Education and Training, translated by Yousef Karimi, Tehran: Publications and Editions [in Persian].
- Volume 2 in the series . https://doi.org/10.1177/0146167291176011
- Wong, David H(2023). Reflections on student-university interactions for next generation learning. Journal of Marketing and Logistics. 24 (2): pp. 328-342.
- Zakai, Mohammad Saeed (2014), Youth and Academic and Academic Alienation, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies, Ministry of Science, Research and Technology Publications.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1403.16.4.1.2]